

Pazuhesname-ye Alavi (Imam Ali's Studies),

Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Biannual Journal, Vol. 14, No. 1, Spring and Summer 2023, 1-22

<https://www.doi.org/10.30465/alavi.2024.48168.2635>

The Functionalism of Prophecy of Opposing Currents in the Alavi Way

Mohammad mostafa Asadi*

Alireza Janalizadeh Chenari**

Abstract

The problem of the current research is that according to the reports in the historical and narrative sources, what functions did the prophecies mentioned in Imam Ali's statements towards the opposing social and religious currents have? According to the findings of this research, the functions of divination in the Alevis way of life are: representation of prophetic hadiths, attempts to remove social divisions, representation of the illegitimacy of opponents, enmity by expressing attributes and actions, increasing insight towards the ignorant common people. Foresight in identifying anti-Ahl al-Bayt elements has been a source of security. The result of the research is that the imam, in his position as a French, would transfer this tool to the target society in a future-oriented approach, so that the society would benefit from his knowledge during the imam's absence. Therefore, the prediction of the opposing currents in Imam Ali's biography, the integration of needs assessment and foresight are considered in line with the goals of the Imamate current. This research is carried out in the form of a library with a descriptive and analytical method.

Keywords: Prophecies of Ahl al-Bayt, opponents of Imam Ali, Alavi way of life, Ahl al-Bayt and future vision.

* Assistant Professor, Department of Islamic Education, Iran University of Medical Sciences, Tehran,
asady.m@iums.ac.ir

** Level 4 clergy of Qom seminary, Iran (Corresponding Author), janalizadeh313@gmail.com

Date received: 10/03/2024, Date of acceptance: 24/08/2024



کارکردشناسی پیشگویی جریان‌های مخالف در سیره علوی

محمد مصطفی اسعدی*

علیرضا جانعلی زاده چناری**

چکیده

مسئله پژوهش حاضر آن است که با توجه به گزارش‌های موجود در منابع تاریخی و روایی، پیشگویی‌های نقل شده در بیانات امام علی (ع) نسبت به جریان‌های مخالف اجتماعی و دینی، چه کارکردهایی را دنبال نموده است؟ طبق یافته‌های این پژوهش، کارکردهای پیشگویی در سیره علوی عبارت است از: بازنمایی احادیث آینده‌نگرانه نبوی، تلاش برای زدایش گسست‌های اجتماعی، بازنمایی عدم مشروعیت مخالفان، دشمن‌شناسی با بیان اوصاف و اقدامات، بصیرت‌افزایی نسبت به عوام بی بصیرت، آینده‌نگری در شناساندن عناصر ضلّ اهل بیت و امنیت‌آفرینی بوده است. نتیجه پژوهش آن که امام در جایگاه فرانسلی خود، این ابزار را در رویکردی آینده‌نگرانه، به جامعه هدف منتقل می‌نمودند تا در دوران عدم حضور امام هم، جامعه از علم لدنی ایشان بهره‌مند گردد. بنابراین پیشگویی جریان‌های مخالف در سیره امیرالمؤمنین (ع)، تلفیق نیازسنجی و آینده‌نگری در راستای اهداف جریان امامت لحاظ می‌گردد. این تحقیق از سنخ پژوهش‌های تاریخی به صورت کتابخانه‌ای با روش توصیفی تحلیلی پیش می‌رود.

کلیدواژه‌ها: پیشگویی‌های اهل‌بیت (ع)، مخالفان امام علی (ع)، سیره علوی، اهل بیت و آینده‌نگری.

* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، asady.m@iums.ac.i

** دانش‌پژوه سطح چهار، حوزه علمیه قم، ایران (نویسنده مسئول)، janalizadeh313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳



۱. مقدمه

جایگاه شاخص رسول خدا و امامان معصوم به عنوان اهل‌بیتی که از سوی قرآن به عنوان خاندان طهارت معرفی گردیده‌اند، آنان را به عنوان الگوی دین و دنیای جامعه ایمانی شناسانده است. این موضوع برای تمامی پیروان ایشان، پیام روشنی در لزوم معرفت‌افزایی و تعمق بخشی به گفتار و رفتار ایشان دارد تا هرچه بیشتر بتوانند همسو و همراه با پیشوایان دین حرکت نموده و تشیع را با مشایعت فعلی و قولی دنبال کنند.

یکی از ویژگی‌های مهمی که از خصوصیات امام در مکتب تشیع در کنار دیگر شرایط بیان شده، علم و دانش امام بوده است. ائمه اطهار دارای علمی متمایز، غیراکتسابی و الهی بوده‌اند. امام علی(ع) علم اهل بیت را از جانب خدا دانسته و فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عِلْمِنَا، وَ بِحُكْمِ اللَّهِ حَكَمْنَا وَ مِنْ قَوْلِ صَادِقٍ سَمِعْنَا» (ابن عبدربه ۱۴۰۷: ۱۵۷/۴) علاوه بر این، به گزارش منابع خاصه و عامه، شخصیت علمی امام علی(ع) مورد تصریح شخص رسول خدا(ص) قرار داشته است: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَىٰ بِأَهْلِهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ» (ابن اثیر ۱۴۱۵: ۲۲/۴- ابن عبد البر ۱۴۱۲: ۱۱۰۲/۳) این بیان آشکارا به لزوم مراجعه به امام در راستای دانش‌افزایی را یادآور شده است. از همین رو، می‌توان این علم خاص را در ابعاد گوناگون آن، مورد پژوهش و بررسی قرار داد. یکی از ابعاد علم لدنی امام، در قالب پیشگویی از رویدادهای آتی بروز یافته است که در منابع متعدد تاریخی منعکس گردیده است. هرچند موارد فراوانی از این موارد امروز به دست رسیده، اما نگاه تحلیلی و کارکردشناسانه به این موارد صورت نگرفته است؛ در حالی که پیشگویی‌های ائمه اطهار، فارغ از بُعد کلامی در باور به جایگاه امامت، می‌تواند در بُعد اجتماعی، فرهنگی و تمدنی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این نوشتار می‌کوشیم بخشی جزئی از این موارد فراوان، که مرتبط با شخص امیرالمومنین علی(ع) و ناظر به جریان مخالفین است را در نگاه کارکرد شناسانه بررسی نماییم. بر این اساس، پرسش پژوهش حاضر آن است که کارکرد پیشگویی جریان‌های مخالف در سیره علوی چه بوده است؟ به عبارت دیگر امام از بیان پیشگویی نسبت به جریان‌های مخالف چه کارکردی را نسبت به امت مسلمان و جامعه اسلامی دنبال نموده است؟

مداقه در این موارد، فارغ از فهم جایگاه الهی امام، می‌تواند چگونگی کاربست ابزارهای الهی امامت در حیات اجتماعی جامعه اسلامی و جامعه بشری را آشکار نموده و مشخص نماید که امام چگونه از این داشته‌ها، نه در مسیر منافع شخصی، بلکه در مسیر جامعه پردازی و

کارکردشناسی پیشگویی ... (محمد مصطفی اسعدی و علیرضا جانعلی زاده چناری) ۵

اعتلای جامعه دینی بهره برده است؛ همچنین می‌تواند ابطال‌گر نظریه جایگاه غیرالهی امامت و اثبات پیوستگی جریان نبوت و امامت در اثبات خاستگاه توأمان الهی باشد.

لازم به ذکر است این موضوع از حیث بعد علم لدنی اهل بیت (ع) ناظر به پیشگویی، رویکرد کلامی هم در شناخت ویژگی‌های امام دربردارد اما در این تحقیق نمی‌خواهیم از حیث کلامی و خصائص امام پرداخته شود بلکه در رویکرد انسانی اجتماعی بررسی می‌شود تا کارکرد از آن استخراج نماییم. همچنین کارکردهای تعریف شده برداشت شخصی نبوده بلکه در راستای جایگاهی که اهل بیت (ع) برای خودشان در جامعه معرفی نموده‌اند صادر گردیده که می‌توان به معرفی دستگاه امامت توسط رسول خدا (ص) در عبارت «منارالهدی» (صدوق، ۱۴۱۷: ۱۸۴) اشاره نمود. همچنین کارکرد پیشگویی در موارد متعددی پیامدهای وقوع یافته و اثرگذار در جامعه بوده است.

پیش از این پژوهشی منطبق با مسئله‌ی حاضر یافت نگردید. گرچه نسبت به سیره علوی در ابعاد مختلف تحلیل تاریخی صورت گرفته اما پیشگویی‌های امام تحلیل نشده و مورد کارکردشناسی قرار نگرفته‌اند. در بخش کتاب‌ها، کتاب پیشگویی‌های امیرالمومنین (ع) از حوادث و فتنه‌ها (واصف، ۱۳۸۹) که صرفاً به توصیف پیشگویی‌های امام علی (ع) پرداخته و نگاهی به کارکردها ندارد.

همچنین در کتاب پیشگویی‌های امیرالمومنین علی (ع) (نجفی، ۱۳۷۹) به صرف بیان گونه‌های پیشگویی در راستای اثبات حقانیت امام علی (ع) پرداخته که، کارکردشناسی پیشگویی از جریان‌های مخالف بیان نگردیده است.

در بخش پایان‌نامه، عنوان الگوی ارتباط با مخالفان در حکومت امام علی (ع) (احمدی، ۱۳۹۶، کارشناسی ارشد) به صورت بسیار جزئی به پیشگویی‌های امام پرداخته و کارکردشناسی پیشگویی‌ها را بیان نکرده است.

۲. مفهوم‌شناسی

در کتب لغت؛ عمل و کار شخص پیشگو، پیش‌گوینده، کهنات، غیب‌گویی و اخبار از آینده را «پیشگویی» گویند (معین، ۱۳۸۶: ۱/ ۶۹۵). همچنین دهخدا واژه «پیشگویی» را، کهنات و غیب‌گویی معنا کرده است (دهخدا، ۱۳۳۷: ۷۳۲/۱۲) «ملاحم» نیز از جمله واژه‌هایی است که در زبان عربی در مفهوم «پیشگویی» به کار رفته است. «پیشگویی» بیشتر جنبه فرامادی دارد و در ارتباط با عالم غیب به کار می‌رود که بُعد معنوی و دینی دارد همچنان که در زبان انگلیسی هم

واژه پیامبر (Prophet) و پیشگویی (Prophecy) از یک ماده هستند. در واقع «پیشگویی» در جایی است که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد اما «پیش بینی» به معنای حدس زدن وقایع آینده از علل، اسباب و قرائن موجود می‌باشد (معین، ۱۳۸۶: ۱/۶۸۴). شاهد مثال عینی دیگری که می‌توان اشاره نمود، این است که در بیان وضعیت جوی گفته می‌شود پیش بینی وضع هوا، اما نمی‌گویند پیشگویی وضع هوا! در واقع «پیش بینی» ناظر به علم عادی بشر، بر اساس قرائن و مادی است اما «پیشگویی» در جایی است که از طریق عادی دسترسی وجود ندارد و خاستگاه آن، علم پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) به صورت فرامادی بوده است.

واژه «کارکرد» به معنای عمل و کار انجام شده آمده است (دهخدا، ۱۳۳۷: ۱۳۵/۳۳) در لغت‌نامه دهخدا واژه راندمان به معنای بهره کارکرد، نتیجه کار و کوشش، میزان موفقیت در کار نقل شده است (همان). این واژه در لغت‌نامه عمید به معنای اندازه و مقیاس کار آمده است (عمید، ۱۳۵۳: ۸۰۸/۲).

«سیره» کلمه سیره اسم مصدر از ریشه «س ی ر» و جمع آن سیر و سیرات است که به معانی مختلفی به کار رفته است. یکی از این معانی سنت، طریقه و روش است. (معین، ۱۳۸۶: ۱۳۷۹/۲) شهید مطهری در بیان سیره می‌فرماید:

سیره سبک و اسلوب و متد خاصی که افراد صاحب اسلوب و سبک و منطق در سیر خودشان به کار می‌برند. همه مردم سیر دارند ولی همه مردم سیره ندارند، یعنی این‌چنین نیست که همه مردم در رفتار خودشان از یک منطق خاص پیروی بکنند و یک سلسله اصول در رفتار خودشان داشته باشند که آن اصول، معیار رفتار آنها باشد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۶۲)

بنابراین می‌توان سیره را نوع رفتار و سبک رفتار و منطق عملی نیز تعبیر کرد که هر کس در شرایط گوناگون بر اساس آن عمل می‌کند. موارد پیشگویی که در این تحقیق به آن خواهیم پرداخت، یکی از سیره‌های امام علی (ع) بوده است.

«جریان» عبارت است از تشکّل، جمعیت و گروه اجتماعی معینی که علاوه بر مبانی فکری، از نوعی رفتار ویژه اجتماعی برخوردار است. (خسروپناه، ۹/۱۳۸۸) به عبارتی مجموعه اندیشه‌هایی است که در حدّ خود در جامعه اثرگذار بوده و در حوادث مختلف و مناسبات تاریخ، نقش آفرینی نموده است.

۳. کارکردهای پیشگویی جریان‌های مخالف

پس از مطالعه و بررسی بیانات امام علی (ع) آشکار گردید که ایشان در مواردی با یادآوری پیشگویی رسول خدا (ص) و در مواردی با بیان پیشگویی از خود، به عنوان رهبر جامعه اسلامی نسبت به کنش‌های اجتماعی و فعالیت جریان‌های مخالف که دارای آسیب‌های اجتماعی، دینی و فرهنگی بوده، به هدایت امت پرداخته است. لذا به صورت کلی، پیشگویی در سیره امام علی (ع)، بخشی از فرآیند هدایت‌گری بوده است. بنابراین این موضوع در رویکرد کارکردشناسانه ابعاد متنوعی می‌یابد که در ادامه از نظر خواهد گذشت.

۱.۳ بازنمایی احادیث آینده‌نگرانه نبوی

می‌دانیم سفارش‌های پیامبر اکرم (ص) بر حفظ احادیث موجب گردید تعدادی از صحابه رسول خدا (ص) نسبت به حفظ آن اهتمام بورزند؛ به نحوی که بنا بر نقل ذهبی، ابن عباس تعداد یک‌هزار و ششصد و شصت حدیث از رسول خدا (ص) نقل کرده است (ذهبی ۱۴۱۳: ۳۳۱/۳). در مسند احمد بن حنبل مجموع روایت‌های منقول از ابن عباس به هزار و هفتصد حدیث می‌رسد (حنبل ۱۴۱۶: ۲۱۴/۳) اما بعد از رحلت رسول خدا (ص)، برخی احادیث نبوی را مانع و سدّی در راه خود مشاهده می‌کردند و لذا از کتابت و نقل احادیث نبوی از دوره خلیفه اول و دوم ممانعت می‌گردید. به همین دلیل برای برداشتن مانع و کنار گذاشتن احادیث، قرآن را به دلخواه خود تفسیر می‌نمودند. این در حالی است که خلفا هر زمان لازم می‌دیدند به بیان حدیث، ولو جعلی می‌پرداختند. (مانند ارث انبیاء در جریان خطبه فدکیه). در این شرایط امام علی (ع) تلاش نمود جهت مقابله با منع نقل احادیث توسط مخالفان دستگاه امامت، در راستای تبیین و استمرار جایگاه پیامبر اکرم (ص) به بازنمایی احادیث آینده‌نگرانه نبوی با یادآوری پیشگویی‌های آن حضرت بپردازد. لذا آنچه در سیره علوی جهت مقابله با جریان‌های مخالف مشاهده شده به دفعات متعدد یادآوری پیشگویی‌های رسول خدا (ص) نسبت به عایشه، زبیر بن عوام و معاویه بن ابی سفیان جهت احیای نقل احادیث نبوی در جامعه بوده است. به عنوان نمونه امام علی (ع) با یادآوری پیشگویی پیامبر اکرم (ص) درباره مخالفین در روز نهروان فرمودند: «أمرنی رسول الله بقتال الناکثین و القاسطین و المارقین» (خطیب بغدادی ۱۴۱۷: ۳۴۰/۸- بزار ۱۴۰۹: ۲۷/۳- طبرانی ۱۴۱۵: ۲۱۳/۸)

از دیگر سو، پیامبر اکرم (ص) در آینده‌نگری نسبت به مسیر نبوت، به تبیین خط مشی دستگاه امامت پرداخته و از طریق پیشگویی، موانع احتمالی را آشکارسازی نمودند. در واقع این

اقدام آینده نگرانه پیامبر اکرم(ص) از طریق علم لدنی بیان گردیده است. به همین جهت امام علی(ع) مبنا و معیار عمل خود را سیره نبوی دانسته و بارها به اقوال رسول خدا(ص) در تصمیمات خود برای مقابله با مخالفان تمسک جسته و در دفعات متعدد پیشگویی‌های نبوی را بیان نمودند تا مردم سیره علوی را همان سیره نبوی دانسته و کارکرد اثبات حقانیت امام علی(ع) بیش از پیش آشکار گردد. با توجه به شدت خطر و دشمنی جریان‌های مخالف برای جامعه و امت اسلامی امام علی(ع) در نبرد با آنان با یادآوری پیشگویی‌های رسول خدا(ص)، به تبیین و روشنی جبهه حق و باطل پرداخته و همان گونه که اشاره شد، جریان‌های متخاصم با خود را بر شمردند.

جالب آن که ضلع مکمل این نقش امام، در تعریف نقش مردمی در همراهی با امام تکمیل گردیده است. یادآوری این پیشگویی نبوی در سیره علوی توسط برخی صحابی که شخصیتی قابل اعتماد نزد عموم مردم داشتند همانند ابوسعید خدری نقل شده است. به نقل وی، رسول خدا(ص) ما را به جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین فرمان داد. عرضه داشتیم یا رسول الله، ما را به جنگ با این‌ها فرمان دادی، اما با چه کسی به جنگ آن‌ها برویم؟ فرمود: «با علی بن ابی طالب!» (البدایه و النهایه ۱۳۹۸: ۳۰۵/۷)

۲.۳ تلاش برای زدایش گسست‌های اجتماعی

می‌دانیم در دوران کوتاه حکومت امیرالمؤمنین علی(ع)، مخالفت‌های متعددی از ناحیه برخی صحابه و مسلمانان با ایشان پدیدار شد، که موجب شکل‌گیری جریان‌های سیاسی اجتماعی گردید. حاکمیت مطلوب امام علی(ع) در جامعه بر مدار اتحاد امت اسلامی و همراهی رهبری و عموم اقشار مردم استوار می‌گردید. این در حالی بود که پس از رحلت رسول خدا(ص)، با نقش منفی جریان خلفا، گسست‌های متعددی در جامعه آشکار گردید. بروز روحیه تفرقه، تعصبات قبیله‌ای و دنیاطلبی در جامعه اسلامی، منجر به انشقاق، شکاف و گسست در جامعه گردیده بود که پردازش آن از حدود این نوشتار خارج است. آن چه مهم است آن که حضرت علی(ع) در قالب پیشگویی، با بهره‌گیری از ظرفیت موجود برای پیشگیری یا زدایش گسست‌های اجتماعی و کم رنگ شدن آن تلاش نمودند. گرچه عده‌ای با امام همراهی کرده و عده‌ای به جریان‌های امام مخالف پیوستند. نمونه روشن نخست، ماجرای خونخواهی برخی صحابه برای عثمان و برپایی جنگ جمل بود. با توجه به اینکه رهبری شورشیان را عایشه، طلحه و زبیر به عهده داشتند، میان امت اسلامی در همراهی با امام، گسستی عمیق رخ داد تا

جایی که بنا بر نقلی تعداد اصحاب جمل تا سی هزار نفر گزارش شده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۳۳۶/۲- ابن اعثم کوفی ۱۴۱۱: ۶۶۴/۲) عایشه نیز که در مکه ساکن بود با سخنان خود سپاهی سه هزار نفری را برای جنگ با امام علی(ع) همراه نمود. (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۲) در این شرایط امام علی(ع) با یادآوری پیشگویی‌هایی از رسول خدا(ص) نسبت به عایشه و زبیر، تلاش نمودند تا از طرفی خواص را از رفتار خود برحذر داشته و از طرف دیگر از گسست اجتماعی بین عوام جامعه، پیشگیری نماید. ایشان پیش از آغاز جنگ به سمت شورشیان حرکت نموده و پیشگویی رسول خدا(ص) را به عایشه یادآوری نموده که ایشان فرموده بودند: «گویا می‌بینم یکی از همسرانم را که میان گروهی طغیان‌گر قرار داشته و سگ‌های حواء بر او پارس می‌کنند. عایشه با شنیدن این پیشگویی گفت: اکنون معلوم شد که آن زن من هستم!» (بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۲۴/۲ : ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۵۷۷/۲: مسعودی، ۱۴۰۹: ۱۰۲/۱) این در حالی بود که پس از توقف عایشه، طلحه و زبیر، پنجاه عرب بادیه نشین را با دادن هدایایی قانع کردند تا اینکه شهادت دادند این منطقه، حواء نیست! همچنین عبدالله بن زبیر نیز دست به حيله ای دیگر زد و در میان سپاه شایع کرد هم اکنون علی بن ابیطالب(ع) می‌رسد و عایشه از ترس، حرکت کرد. (بلاذری، ۱۴۰۹: ۲۲۴/۲- مسعودی ۱۴۰۹: ۱۰۲/۳)

ضلع دوم از سه ضلعی فتنه جمل، زبیر است که امام باز هم از طریق ابزار پیشگویی به مواجهه با او پرداختند. وقتی که حضرت علی(ع) به نزدیک سپاه جمل رسید، زبیر را فراخواند و فرمود: ای ابا عبدالله تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا به خاطر داری که روزی دست من در دست تو بود و به حضور پیامبر اکرم(ص) رسیدیم و ایشان به تو فرمود آیا علی(ع) را دوست می‌داری؟ تو گفتی آری! آن حضرت فرمود: ولی تو با او جنگ و نسبت به او ستم خواهی کرد؟ زبیر گفت آری به یاد دارم. اکنون آمده‌ای با من بجنگی! زبیر پس از این دیدار نزدیک پسرش عبدالله رفت و به او گفت: من از میدان جنگ می‌روم چون علی بن ابیطالب(ع) امری را به یادم آورد که از آن غافل بودم. (دینوری ۱۳۷۳: ۱۴۷- ابن عساکر ۱۴۱۵: ۱۰۹/۱۸- بلاذری ۱۴۱۷: ۴۳۰/۹)

۳.۳ بازنمایی عدم مشروعیت مخالفان

یکی از مهمترین ویژگی حکومت اسلامی مشروعیت داشتن است که از طرفی حاکم اسلامی بوسیله آن حکمرانی خود را صحیح دانسته و همچنین مردم تبعیت از حکومت مشروع را وظیفه خود می‌شمارند. امام علی(ع) به دلیل سفارش‌های نبوی مبنی بر وصایت ایشان، همچنین

اقبال عمومی و بیعت آحاد جامعه، از مشروعیت همراه با مقبولیت برای حکمرانی برخوردار شده بود. در حالی که مخالفان امام(ع) به انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی، سعی در جایگاه‌تراشی برای خود و سلب مشروعیت از امام(ع) داشتند.

طلحه و زبیر با سابقه همراهی با امام(ع)، اکنون در وضعیت تقابل با امام قرار داشتند. امام علی(ع) در بعد دیگری از پیگیری اهداف دستگاه امامت، در قالب پیشگویی با بیان اختلاف طلحه و زبیر با یکدیگر به بازنمایی عثم مشروعیت مخالفان خود پرداختند تا لشکری که از جامعه اسلامی به بهانه خونخواهی عثمان با ناکتین همراهی نمودند به انحراف عاملان جنگ علیه امام(ع) و حاکم جامعه اسلامی پی ببرند. وقتی به حضرت علی(ع) خبر حرکت طلحه، زبیر و عایشه و سپاهیان آن‌ها سمت بصره رسید، بر منبر رفته و در قالب پیشگویی فرمودند:

به خدا قسم اگر آن دو به آرزوی خود پیروز شوند که هرگز نمی‌شوند، قطعاً میان آن دو اختلاف افتاده، به گونه‌ای که یکی از آن‌ها گردن دیگری را خواهد زد. هم اکنون فتنه‌ای از جانب گروه شورشی برپا شده است. کجایند اهل ایمان و آن‌ها که برای حق تلاش می‌کنند؟! (رضی، ۱۳۸۴: ۳۱۲/۱).

طلحه و زبیر گرچه از جنگ جان سالم به در نبردند، اما علائم و قرائن اختلاف از همان آغاز به دلیل ریاست طلبی در میان آن‌ها ظاهر شده بود و به همین جهت هیچکدام از آن دو به امامت دیگری راضی نبود و می‌خواست خودش امام جماعت شود. از دید توده پیمان شکنان هر کس نماز جماعت را اقامه کند رهبر آینده خواهد بود، فلذا بین آن‌ها آنقدر اختلاف روی داد که نزدیک بود آفتاب بزند و این‌ها هنوز نماز نخوانده بودند. عایشه پا در میانی کرده و گفت هیچ کدام نماز نخوانید و به عبدالله ابن زبیر فرمان داد نماز را بخواند(ابی یعقوب، ۱۴۲۲: ۱۵۷/۲). بنابراین کارکرد پیشگویی امام این بود که در قالب پیشگویی تلاش نمود از آسیب اجتماعی که ثمره این جنگ داخلی بود پیشگیری کرده و بکاهد.

با توجه به پیشگویی‌های امام علی(ع) به ضمیمه یادآوری پیشگویی‌های نبوی در کنار اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه امام، اما در نهایت اصرار ناکتین موجب اولین جنگ داخلی بین مسلمانان شد. با مطالعه سیره علوی می‌توان دریافت حضرت تمام تلاش خود را برای پیشگیری از پیامدهای آن و خونریزی مسلمانان به کارگرفت اما وقتی جامعه اسلامی بیدار و هوشیار نباشد، کار پیش نخواهد رفت.

نکته مهم دیگر این است که معاویه تا قبل از برپایی جنگ جمل، جرات نداشت به صورت آشکار به مخالفت با خلافت امام علی(ع) بپردازد زیرا حق خلیفه روی کار آمده به دلیل بیعت

عمومی آحاد جامعه این است که بتواند عزل و نصب انجام دهد، اما تجرّی ناکثین بر خروج علیه حاکم اسلامی، اگر چه با شکست مواجه شد اما موجب گردید معاویه با استفاده تبلیغاتی و رسانه‌ای، صلاحیت امام را زیر سوال برده و به بهانه خونخواهی عثمان بتواند اهل شام را با خود در مقابل امام علی(ع) همراه نماید.

۴,۳ دشمن‌شناسی با بیان اوصاف و اقدامات

بی شک دشمن‌شناسی از محوری‌ترین مباحث در دفع تهدیدها و دفاع از یک امت محسوب می‌شود. در طول تاریخ امت‌هایی در اثر غفلت از دشمنان و نداشتن رویکرد آینده‌نگرانه در مقابل توطئه‌های آنان به سرنوشتی هلاکت بار دچار شدند. در این راستا کارکردی که از پیشگویی امام علی(ع) از بیان اوصاف و اقدامات دشمن می‌توان استخراج نمود، این است که جامعه اسلامی اوصاف دشمن و نشانه‌های افراد ستمگر و ظالم که از دشمنان اهل بیت(ع) و جامعه اسلامی بودند را شناخته و از طرفی با این شناخت به عنوان نشانه، از اقدامات پلید آنها آگاه بوده، همچنین شریک مقاصد شومشان نگردند. از جمله این دشمنان و جریان‌های ظالم که به مخالفت با حکومت علوی پرداخت، جریان قاسطین به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان بوده است. حضرت علی(ع) در خطبه ۵۷ نهج البلاغه در راستای شناساندن اوصاف دشمن اهل بیت(ع) و امت اسلامی فرمودند:

آگاه باشید پس از من مردی با گلوی گشاده، و شکمی بزرگ بر شما مسلط خواهد شد که هر چه بیابد می‌خورد و تلاش می‌کند آنچه ندارد به دست آورد؛ او را بکشید ولی هرگز نمی‌توانید او را بکشید. آگاه باشید به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگویی من وادار می‌کند، بدگویی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم که مایه بلندی درجات من و نجات شماست، اما هرگز در دل از من بیزاری نجوید که من بر فطرت توحید توکد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم تر بوده‌ام. (سیدرضی، ۱۳۸۴: ۶۲۴/۲).

قابل توجه آن که امام در این پیشگویی، هم به ویژگی‌های ظاهری معاویه و هم به ویژگی‌های عملکردی وی پرداخته و هم به وظیفه امت اسلامی که مقاتله با وی است اشاره دارند. امام علی(ع) این بیانات را در ضمن بیان خطبه ای در بی وفایی مردم کوفه در همراهی با حضرت و بیان گلایه و ناراحتی از جامعه کوفه اعلام داشتند. لذا امام برای جامعه اقدام به شناساندن دشمنی معاویه با رویکرد آینده‌نگرانه که هنوز معاویه تسلط بر آنها نداشت اقدام نمودند. حضرت در همه این پیشگویی‌ها از مفاسدی که از حاکمیت معاویه سرچشمه می‌گیرد

را به مردم شناساند تا اتمام حجت برای جامعه مسلمین باشد. اولین اوصاف بیان شده مربوط به صفت شکم بارگی معاویه بوده است. بر اساس مستندات تاریخی، معاویه به پرخوری زبان زد بود. آن قدر می‌خورد که می‌گفت: خسته شدم اما سیر نشدم؛ سفره را جمع کنید! (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۵۴/۴). باتوجه به اینکه پیشوای مسلمین باید دارای صفات پسندیده باشد، شکم بارگی شاهی بر اوصاف ناپسند معاویه بوده است.

در ادامه امام علی(ع) در همین خطبه بیان اقدام معاویه بر ناسزاگویی نسبت به ایشان اشاره نمود که شاهی روشن بر دشمنی معاویه با اهل بیت(ع) بوده است. طبری تاریخ نویس معروف اهل سنت نقل کرده است:

معاویه، وقتی که در سال ۴۱ هجری قمری، مغیره بن شعبه را والی کوفه قرار داد، به وی دستور داد و گفت: یک مطلب را فراموش مکن و بر آن پافشاری کن و آن ناسزاگویی به علی بن ابی طالب(ع) است و در مقابل از عثمان به عظمت یاد کن و همیشه برای وی طلب آمرزش نما و از یاران علی(ع) بدگویی کن و آنان را تبعید نما و به سخنانشان گوش نکن! (طبری، بی تا: ۲۵۳/۵).

ناسزاگویی به امام در سلسله بنی امیه رواج داشت، در حدی که زمخشری نقل کرده است: «در زمان بنی امیه، بیش از هفتاد هزار منبر وجود داشت که در آن، علی(ع) به پیروی از سنتی که معاویه بنا کرده بود، لعن می‌شد.» (زمخشری، بی تا: ۱۸۶/۲). بنابراین امام تلاش نمود تا نشانه‌ها و اقدامات معاویه را از سال‌ها قبل به مردم در قالب پیشگویی ذکر نماید تا دشمن خود را شناخته و بدانند ثمره عدم همراهی با امام، به حکومت رسیدن خلفای ظالم بوده خواهد بود.

علاوه بر این، حضور صحابی شاخص در لشکر امام در کنار پیشگویی‌های صادره از پیامبر اکرم(ص) موجب گردید تا در غبار فتنه به عنوان معیاری برای تشخیص حق و باطل باشد. با توجه به اینکه لشکر امام علی(ع) با مشاهده اهل نماز بودن لشکر معاویه در صفین دچار تردید شده بودند، حضرت در پاسخ آن‌ها را به عمار یاسر ارجاع دادند که عمار با صراحت، به روشنگری و تبیین پرداخته و گفت: مواضع ما اینک همان موضعی است که در روزهای بدر و احد و حنین زیر پرچم پیامبر خدا(ص) داشتیم و آنان در مواضع احزاب مشرک آن روزها قرار دارند. (نصربن مزاحم ۱۴۰۴: ۳۳۸) حضور عمار یاسر در کنار یادآوری پیشگویی نبوی از کشته شدن عمار به دست گروه ستمکار معیار حق و باطل گردید، زیرا پیامبر اکرم(ص) فرموده بودند: «وَيَحِ عَمَّارٌ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى النَّارِ» (اربلی ۱۳۸۱: ۲۵۸/۱- ابن سعد ۱۴۱۰: ۲۶۲/۳). ابن عبدالبر این حدیث را متواتر و از صحیح‌ترین احادیث دانسته

کارکردشناسی پیشگویی ... (محمد مصطفی اسعدی و علیرضا جانعلی زاده چناری) ۱۳

است. (ابن عبدالبرّ ۱۴۱۲: ۱۲۳۱/۳) بنابراین امام علی(ع) با بیان اوصاف و اقدامات دشمنان تلاش نمود تا جامعه به هوشیاری رسیده و صفات و اقدامات دشمن را به خوبی بشناسد.

امام علی(ع) در ادوار مختلف در راستای دشمن شناسی جهت شناخت خلفای ظالم و ستمگر برای آحاد جامعه اسلامی به پیشگویی از اقدامات آنان پرداختند که می توان به حکومت مروانین اشاره نمود. پس از اسیر شدن مروان در جنگ جمل، حضرت فرمودند: «لَا حَاجَةَ لِي فِي بَيْعَتِهِ، إِنَّهَا كَفُّ يَهُودِيَّةٍ لَوْ بَايَعَنِي بِكَفِّهِ لَعَدَرَ بَسْبَتَهُ، أَمَا إِنَّ لَهُ إِمْرَةً كَلَعَقَةَ الْكَلْبِ أَنْفَهُ وَهُوَ أَبُو الْأَكْبُشِ الْأَرْبَعَةِ وَ سَتَلَقَى الْأُمَّةُ مِنْهُ وَ مِنْ وَلَدِهِ يَوْمًا أَحْمَرَ» (سیدرضی ۱۴۱۱: ۱۰۲/۱).

در این عبارت چند پیشگویی صادر شده است. اما در ابتدا فرمودند: «أَمَا إِنَّ لَهُ إِمْرَةً كَلَعَقَةَ الْكَلْبِ أَنْفَهُ» انتخاب این تعبیر برای حکومت کوتاه مدت «مروان» در نهایت فصاحت و بلاغت بیان شده و بیانگر بهره گرفتن او از حکومت نامشروع بنی امیه بوده که طبق پیشگویی در مدتی بسیار کوتاه واقع شده است. همچنین بیان مدت حکومت مروان شاهی بر تسلط علمی امام بوده تا مردم جامعه با محقق شدن پیشگویی های قبلی امام از به حکومت رسیدن خلفای ظالم به دلیل عدم همراهی با امام جامعه هشدار یافته و به هوشیاری رسیده و پیامدهای عدم همراهی با ولی خدا در اعصار آتی را بسنجند. به گفته برخی مورخین چهار ماه و ده روز و به گفته بعضی دیگر شش ماه و بیشترین مدتی که برای آن نوشته اند در تاریخ طبری مدت نه ماه، از سال ۶۴ تا ۱ رمضان سال ۶۵ و به قولی ۹ ماه و ۲۷ روز است. در نقلی آمده است: «وقیل: عاش بعد ان بویع له بالخلافة عشرة اشهر الا ثلاث لیل» (طبری، بی تا: ۴/۷۵). به این ترتیب پیشگویی امام علی(ع) درباره او به وقوع پیوست و سرانجام به دست همسرش به سادگی کشته شد.

دومین پیشگویی این بود که فرمود: «وَهُوَ أَبُو الْأَكْبُشِ الْأَرْبَعَةِ». طبق این تعبیر، امام مروان را به حیوان سرکش تشبیه کرد. به گفته جمعی از «شارحان نهج البلاغه» این سخن اشاره است به فرزندان چهارگانه او: «عبدالملک» که جانشین او شد، «عبدالعزیز» که والی مصر گردید، «بشر» والی عراق و «محمد» نیز والی جزیره شد که هر کدام از آنها شرارت را از پدرشان به ارث بردند. درست است که فرزندان «مروان» بسیار بیش از این بود ولی این چهار نفر کسانی هستند که به حکومت رسیدند و امیرمؤمنان علی(ع) به آنها اشاره می فرماید (هاشمی خوئی ۱۴۰۰: ۲۱۸/۵-بحرانی ۱۴۰۹: ۱۸۱/۱). جمعی دیگر از «شارحان» این سخن را اشاره به نوادگان «مروان» که فرزندان «عبدالملک» بودند می دانند که چهار نفر آنها به نام «ولید»، «سلیمان» «یزید»

و «هشام» به خلافت رسیدند و او تنها کسی بود که چهار فرزندش به خلافت رسیدند (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴: ۱۴۶/۶). به همین دلیل، جمعی قول دوم را ترجیح دادند؛ چراکه با سومین پیشگویی امام که در کلام بالا آمده منطبق است و می‌فرماید: «وَسَتَلْقَى الْأُمَّةَ مِنْهُ وَمِنْ وَلَدِهِ يَوْمًا أَحْمَرَ» (قمی ۱۳۲۵ : ۵۴). پیشگویی امام نیز به تحقق پیوست و این خلفای خون‌خوار یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند و جای «مروان» و «عبدالملک» را گرفتند و خون‌های زیادی ریختند و بسیاری از بی‌گناهان را به تیغ دژخیمان سپردند و «یَوْمًا أَحْمَرَ» (روز سرخ و خونین) با جنایات آنها تحقق پذیرفت که یک نمونه آن، جنایات «حجاج» فرماندار کوفه در عصر «عبدالملک بن مروان» است که بنابر نقل طبری تعداد کسانی که توسط حجاج کشته شدند، بالغ بر ۱۳۰ هزار نفر می‌شد (طبری، بی تا : ۳۸۱/۶). بنابراین امام علی (ع) با بیان اقدامات مروان بن حکم و خاندانش اقدام به شناساندن دشمنی آنان برای جامعه اسلامی نمود.

علاوه بر آنچه بیان شد، یکی دیگر از موارد پیشگویی امام علی (ع) در راستای کارکرد دشمن شناسی نسبت به حجاج بن یوسف بیان گردیده که حضرت بعد از اندوه و ناراحتی از بی وفایی کوفیان به آنان فرمودند: «أَمَّا وَاللَّهِ لَيَسْلُطَنَّ عَلَيْكُمْ غُلَامٌ ثَقِيفٌ، الذِّيَالُ الْمِيَالُ، يَأْكُلُ خَضِرَ تَكْمُ ذُو يُدَيْبُ شَحْمَتِكُمْ؛ إِيَّاهُ أَبَا وَدَحَةَ» (سید رضی ۱۴۱۱: ۱۷۴/۱ - مسعودی ۱۴۰۹: ۳۴۹/۳). بسیاری از شارحان نهج البلاغه منظور از «غُلَامٌ ثَقِيفٌ» را «حجاج بن یوسف ثقفی» دانسته‌اند که از قبیله «بنی ثقیف» بود و در دوران حکومت «عبدالملک مروان» به عنوان والی کوفه انتخاب شد. او مردی بسیار سنگدل، خون‌خوار، پست و آلوده بود و «عبدالملک» مخصوصاً او را برای انتقام گرفتن از مردم کوفه و خاموش کردن شعله‌های قیام بر ضد «بنی امیه» انتخاب کرده بود (ابن ابی الحدید ۱۴۰۴: ۷۳/۷ - بحرانی ۱۴۰۹: ۲۷۳/۱ - هاشمی خوئی ۱۴۰۰: ۹۴/۸).

در نقل دیگری امام علی (ع) به فردی فرمود: نمیری تا جوان ثقیف را دریابی. به وی عرض کردند: او کدام است؟ فرمود: مردی که روز رستاخیز به وی می‌گویید گیتره ای از گستره‌های دوزخ را برای ما پر کن و او به تنهایی پر می‌کند. طی بیست سال کارگزاری، هیچ گناهی را فرو گذار نمی‌کند و به تمامی گناهان دست می‌آید (ابن اثیر ۱۳۸۶: ۵۸۷/۴). بدین ترتیب، خطبه مشهور علی بن ابی طالب (ع) خطاب به مردم کوفه و پیشگویی تسلط یافتن غلامی ستمگر از قبیله ثقیف بر آنان، محقق گردید. خلفای اموی و مروانی توانایی شگفت‌انگیزی که حجاج در سرکوب مخالفان بنی امیه از خود بروز داد، عبدالملک را بر آن داشت تا حجاج را در سال ۷۵ قمری بر منطقه عراق برای ریشه‌کنی نهال تشیع ناب، حاکم عراق بگمارد. حجاج شتابان راهی عراق شد و فقط با دوازده سوار وارد کوفه گردید و روز جمعه با چهره‌ای پوشیده به مسجد

رفت و در خطبه‌ای مشهور تمام کسانی را که از سپاه مُهَلَّب بن ابی صفره، فرمانده سپاهیان بشرین مروان برای جنگ با خوارج حروریه، گریخته بودند تهدید کرد که چنانچه تا سه روز به وی ملحق نشوند آنان را خواهد کشت (ابن قتیبه ۱۴۱۰: ۲/۲۵). حجاج پس از تسلط بر کوفه به بصره رفت و خطبه تهدیدآمیزی، مانند خطبه کوفه، ایراد کرد و آنگاه به رُستَبَاز رفت تا روحیه مُهَلَّب را در نبرد با خوارج تقویت کند (بلاذری ۱۴۱۷: ۶/۳۹۵). او در خطبه اش مردم را سخت تهدید کرد و به اطاعت از بنی امیه فراخواند و گفت: سرهایی را می بینم که چون میوه رسیده و هنگام چیدن آن شده است و آنها را خواهم چید. گویی می بینم خون هایی میان عمامه‌ها و محاسن جاری است. به راه آید و درست شوید که به خدا سوگند زبونی و خاری را به شما می چشانم و همچون شتران غریبه شما را می زنم تا سر کشی را رها کنید. هر وعده که می دهم وفا می کنم و هر تصمیمی بگیرم اجرا می کنم (مسعودی ۱۴۰۹: ۲/۱۳۱) - ابن اثیر ۱۳۸۶: ۴/۳۳. همان گونه که امام در این سخنش از او و مدت حکومتش پیشگویی فرموده بود، او بر هیچ کس و هیچ چیز رحم نکرد، اموال مردم را غارت می نمود و از خون ریزی ابا نداشت و چنان مردم در زمان او تحت فشار واقع شدند که به گفته امام از آنها تنها استخوان و پوستی باقی ماند. بنابراین گفته مورخان، حجاج جبار و ستمگر (ذهبی ۱۴۲۷: ۴/۳۴۳)، کافر (ابن عبد ربّه ۱۴۰۷: ۵/۴۲)، فاسق (ابن سعد ۱۴۱۰: ۴/۱۸۴)، دروغ گو و خبیث (ذهبی ۱۴۲۷: ۴/۳۴۳) بود. حجاج در پاسخ به نامه عبدالملک، خود را آدمی لجوج و حسود و کینه توز وصف کرده است (ابن عساکر ۱۴۱۵: ۱۲/۱۶۷). بنابراین آسیب های وارده بر جامعه اسلامی توسط خلفای ستمگر و ظالم بیش از پیش نمایانگر پیشگویی امام علی (ع) از دشمنی آنان بوده است.

۵,۳ همراه سازی عوام بی بصیرت

یکی دیگر از کارکردهایی که امام علی (ع) در قالب پیشگویی دنبال نمودند، همراه سازی عوام بی بصیرت بوده است. پس از اینکه عده‌ای در مقابل حکومت علوی به مخالفت و لشکرکشی ایستادند، امام علی (ع) با مشاهده تزلزل و تردید میان لشکریان اسلام به دلیل مشاهده ظاهر متعبد و اسلامی آنان، تلاش نمود در قالب پیشگویی به مقابله با این تردید و تزلزل پرداخته تا موجب همراه سازی توده ها گردد. مصداق عینی مخالفان، گروه مارقین بودند که ظاهر موجه و متعبدانه‌شان، موجب گردید برخی لشکریان امام قبل از جنگ دچار شک و تردید شوند. در کتاب ارشاد به نقل از جُنْدَب بن عبد الله اَزْدی پیشگویی امام از عبور نکردن خوارج از نهر آمده، که وی نقل کرده است: وقتی در نهر روان آمدیم، تردید نسبت به حقانیت امام علی (ع) در

من راه یافت. در این حال، دو سوار نزد امام آمدند و با اطمینان چندبار گفتند: ای امیر مؤمنان! جماعت خوارج از نهر عبور کردند. حضرت علی(ع) در تمام دفعات فرمودند: «نه! هرگز عبور نخواهند کرد و این سوی آب، هلاک خواهند گشت!» آن گاه با خود گفتم: اگر آن جماعت از نهر عبور کرده باشند، من نخستین کسی خواهم بود که با علی بن ابی طالب(ع) بجنگم و آلا او صادق است. چون به نزدیک خوارج رسیدیم و پرچم‌ها و بارها را چنان که علی(ع) فرموده بود، یافتیم. حضرت فرمود: «ای برادر آزادی! آیا حقیقت برای تو روشن شد؟ گفتم: آری، ای امیر مؤمنان! فرمود: «پس این تو و این دشمنت!» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۱۷/۱: طبرسی، ۱۴۱۷: ۳۳۹/۱: کلینی، ۱۳۴۲: ۳۴۵/۱: ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰: ۲۶۸/۲). این همراه سازی توده‌ها، قبل از جنگ واقع گردید تا فتنه خوارج با همراهی لشکریان اسلام رفع گردد.

در ادامه، کارکرد همراه‌سازی عوام بی بصیرت، پس از کشتن خوارج هم ادامه داشت زیرا برخی افراد با مشاهده جنازه افراد به ظاهر متعبد، تردید و اضطراب در وجودشان باقی مانده بود که امام علی(ع) پیشگویی حضور شخصی سیاه چهره، با دست ناقص میان کشته‌های خوارج را مطرح و بیان فرمودند:

ای مردم! همانا پیامبر خدا(ع) با ما درباره اقوامی سخن گفت که از دین بیرون می روند و نشان آن این است که در میان آنان، مردی است سیاه با دستی ناقص که برآمدگی یکی از دستانش به پستان گوسفند شباهت دارد و پیرامونش هفت موی رُسته است. پس او را بجویید. آن‌گاه خطاب به یارانش فرمود: «نظر اندازید! تا او را بیابید.

در ابتدا او را پیدا نکردند اما در ادامه تعداد بیشتری به جستجو پرداختند تا این‌که او را در گودالی کنار نهر یافته و بیرون آوردند. با مشاهده دست و چهره او که طبق پیشگویی امام بود، امام علی(ع) و سپاه اسلام تکبیر برآورده و شادمان گشته و تردید لشکریان رفع گردید(حجاج نیشابوری ۱۴۲۴، ۷۴۹/۲).

۶,۳ آینده‌نگری در شناساندن عناصر ضد اهل بیت(ع)

یکی دیگر از افرادی که در مقابله با حضرت علی(ع) وجود داشتند منافقین بودند که امام با موضع گیری خود برخورد افشاگرانه داشته و آنان را به مردم شناساند. آشکار سازی هویت منافقین از طرفی در راستای کاستن تاثیر و در انزوا قرار گرفتن‌شان، همچنین آینده‌نگری در شناساندن عناصر ضد اهل بیت(ع) برای مردم بوده تا با آنان همراهی نکنند. حضرت علی(ع) دستور قرآن در برخورد با منافقان را به مسلمانان یادآوری نمود که منافقان را دشمن خود

کارکردشناسی پیشگویی ... (محمد مصطفی اسعدی و علیرضا جانعلی زاده چناری) ۱۷

دانسته و از آنان پیروی نکنند همانگونه که قرآن کریم فرمود: «هم العدو فاحذرهم» (منافقون ۶: ۶۳) آشکار سازی هویت منافقان و برحذر داشتن مردم از اقدامات آنان در سخنان امام قابل مشاهده است که فرمودند: «حَدَّرَكُمْ أَهْلَ النِّفَاقِ، فَإِنَّهُمْ الضَّالُّونَ الْمُضِلُّونَ وَالزَّالُّونَ الْمُرْتَدُونَ، يَتَلَوْنِ الْوَأَنَّا وَ يَفْتِنُونَنَا» (رضی ۱۴۱۱: ۳۰۷/۱). فلذا امام به تلاش منافقان در گمراه نمودن مردم اشاره نمودند که منافقان به هر وسیله ای برای گمراهی مردم تلاش می نمایند. در نقلی آمده است وقتی امیرالمؤمنین (ع) مردم را به سوی نهر روان ترغیب نمود، برخی از اهل کوفه همانند: جریر بن عبد الله بجلي، عمرو بن حرث، شیبث بن ربیع و اشعث کندی از دستور امام سرپیچی کردند. امام در پاسخ جریان نفاقشان را آشکار کرده و فرمودند:

شما می خواهید با این سرپیچی مردم را از من بازدارید. گویا شما را در منطقه خورنق می بینم که سفره طعامتان را پهن کرده اید، سپس سوسماری عبور می کند که در حقیقت با آن حیوان بیعت می کنید. عرض کردند: یا امیر المؤمنین (ع) اینگونه نیست! امام به راه خویش ادامه داد تا به مدائن رسید. سرانجام همان گونه که امام پیشگویی کرده بودند محقق شد و بیعت با امام را لغو کرده و آن حیوان را پیشوای خود قرار دادند.

در ادامه پس از مدتی به امام ملحق شدند که حضرت فرمود: «امروز شما هم گروهی از منافقین هستید! ای شیبث، عمرو و محمد بدان که فرزند تو، فرزندم امام حسین (ع) را می کشید و وای بر کسی که، پیامبر اکرم (ص) و فاطمه، دشمنش باشد (راوندی ۱۴۰۹: ۲۲۶/۱). پس از مدتی، سرانجام هنگامی که امام حسین (ع) به کربلا رسید، همین افراد برای جنگ با او، از کوفه روانه نینوا شدند و در قتل امام شرکت داشتند (طبری، بی تا: ۴۲۵/۵: کلینی، ۱۳۴۲: ۱۶۷/۸: بلاذری، ۱۴۱۷: ۲۹۶/۲).

با توجه به اینکه این افراد از دعوت کنندگان امام حسین (ع) به کوفه بودند، امام دعوت آنان را یادآوری نموده و فرمودند:

ای شیبث بن ربیع و ای حجار بن أبجر و ای قیس بن اشعث و ای زید بن حارث، مگر شما نبودید که برای من نامه نوشتید که میوه های اشجار ما رسیده، بوستان های ما سبز گشته و از برای یاری کردنت لشکرها آراسته ایم. سپس قیس بن اشعث در پاسخ گفت: ما نمی دانیم چه می گویی لکن حکم یزید و ابن زیاد را بپذیر. حضرت فرمود: لا والله هرگز دست ذلت به دست شما نمی دهم و از شما هم نمی گذرم. (مرعشی ۱۴۰۹: ۱۴۳/۲۷).

با توجه به اینکه این افراد در ابتدا از یاران امام علی(ع) بودند اما در ادامه به منافقین و خوارج پیوستند، حضرت با پیشگویی از نفاق و حضورشان در عاشورا و کشتن سیدالشهدا(ع)، این عناصر ضد اهل بیت(ع) را به مردم شناساندند.

لازم به ذکر است اطلاع رسانی، ابلاغ و تبیین از جانب امام که بعد معرفتی و شناساندن بوده انجام گرفته اما بعد ارادی با افراد می باشد. فلذا همه مساله به بیان امام نبوده بلکه امام راهنمایی کامل را در قالب پیشگویی و سخنان خود انجام داده و راهپیمایی با مامومین و افراد است.

۷,۳ امنیت آفرینی

با توجه به حکومت خلفای ظالم که با کوچک‌ترین بهانه ای به کشتار افراد جامعه پرداخته و خون ملت را جاری نمودند، از جمله ابزاری که در سیره امام علی(ع) در مقابله با این دسته از مخالفان مشاهده شده است، پیشگویی فراعصری از چنین وقایعی بوده تا امت از این خطرات مصون و محفوظ مانده و موجب امنیت آفرینی برای جامعه باشد. از جمله این موارد پیشگویی امام علی(ع) در خطبه ۱۲۸ نهج البلاغه مربوط به جریان «مغول» به صورت فراعصری بیان گردیده که حضرت فرمودند: «كَأَنِّي أَرَاهُمْ قَوْمًا كَانَتْ وَجُوهُهُمْ الْمَجَانُ الْمُطْرَقَةُ، يَلْبَسُونَ السَّرَقَ وَ الدِّيَابَجَ وَ يَعْتَقِبُونَ الْخَيْلَ الْعِتَاقَ، وَ يَكُونُ هُنَاكَ اسْتِحْرَارُ قَتْلِ، حَتَّى يَمْشِيَ الْمَجْرُوحُ عَلَى الْمُقْتُولِ وَ يَكُونُ الْمُفْلِتُ أَقْلَ مِنَ الْمَأْسُورِ» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۸/۸). ابی الحدید که خود در آن زمان می زیسته و به گفته خودش، بخشی از حوادث مربوط به حمله مغول را با چشم دیده، تصریح نموده که پیشگویی امام علی(ع) در مورد مغول در زمان ما واقع شد و ما با چشم خود مشاهده نمودیم. ابن ابی الحدید در ادامه گفت: «آن‌ها همان قوم «تاتار» بودند. فرمانده این جمعیت «چنگیز» نام داشت که هر جا می رسیدند مردان را کشته و اموال را غارت، شهرها را سوزانده، زنان و کودکان را اسیر نموده و با خود می بردند. (همان ۲۵۲) امام علی(ع) علاوه بر بیان جنایات مغول، برای حفظ و حراست و امنیت آفرینی شیعیان، پیشگویی دیگری از پیروزی مغول بر بنی عباس صادر نمودند. علمای این عصر در اعصار بعدی با تیزهوشی و دقت از ابزار پیشگویی امام علی(ع) بهره جسته و با خبر پیشگویی امام و پیروزی مغول بر بنی عباس، به امنیت آفرینی نسبت به جامعه اسلامی بهره جستند. پس از حمله مغول و کشتار وحشیانه بلاد اسلامی، علامه حلی دلیل قتل عام نشدن مردم کوفه، نجف، حله و بغداد از هجوم مغولان را یادآوری و بیان پیشگویی امام علی(ع) دانسته که فرمودند: بساط فرزندنان عباس با دست مردی از اتراک، برچیده می شود و شما صاحب آن اوصاف می باشید. لذا وقتی هلاکوخان نزدیک حله رسید،

پدر علامه حلی با یادآوری پیشگویی امام علی (ع) همراه جمعی از علماء تصمیم گرفتند به هلاکوخان نامه نوشته و از او امان بخواهند. هلاکوخان با مشاهده نامه آن‌ها را احضار نمود. در این هنگام هنوز بغداد سقوط نکرده بود که هلاکوخان انگیزه نگارش نامه را از پدر علامه جناب شیخ سوال کرد و گفت: در حالی که هنوز عاقبت امر من با خلیفه معلوم نیست، نامه نوشته اید! چه بسا ممکن باشد معتصم با من صلح کند و من برگردم و در این صورت از شکنجه او در امان نخواهید بود! شیخ در پاسخ گفت: ما به یقین می دانیم که پیروزی و غلبه با تو خواهد بود زیرا سخنی از پیشوای ما علی بن ابیطالب (ع) درباره حوادث آینده به ما رسیده و اوصاف سرداری که بر آخرین خلیفه عباسی پیروز می شود را بیان نموده که آن اوصاف با شما مطابقت دارد. ایشان فرموده اند: «وما أدراك ما الزوراء، أرض ذات أثل يشد فيها البنيان وتكثر فيها السكان، ويكون فيها مخادم و خزان، يتخذها ولد العباس موطناً، ولزخرفهم مسكناً، تكون لهم دار لهو ولعب، يكون بها الجور الجائر والخوف المخيف، والأئمة الفجرة، والأمراء الفسقة، والوزراء الخونة، تخدمهم أبناء فارس والروم، لا يأترون بمعروف اذا عرفوه، ولا يتناهون عن منكر اذا نكروه، تكفى الرجال منهم بالرجال والنساء بالنساء، فعند ذلك الغم العميم والبكاء الطويل والويل العويل لأهل الزوراء من سطوات الترك، وهو قوم صغار الحدق، وجوههم كالمجان المطوقة، لباسهم الحديد، جردمرد، يقدمهم ملك يأتي من حيث بدأ ملكهم، جهوری الصوت، قوى الصولة عالی الهممة، لا يمر بمدينة الا فتحها ولا ترفع عليه راية الا نكسها، ألويل، الويل لمن ناواه، فلا يزال كذلك حتى يظفر» (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۸۲/۱). بنابراین قبل از فتح و خونریزی از شما خواستیم امان بگیریم. هلاکو با شنیدن پیشگویی امام علی (ع) مسرور شده و فرمان امان اهل حله و کوفه و نجف و کربلا را صادر نمود، از این رو موجب امنیت آفرینی برای مسلمانان گردیده و علاوه بر مردم، سایر مشاهد مشرفه و مقدسه از یغما، غارت و کشتار مصون و محفوظ گردیدند.

۴. نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشگویی یکی از ابزارهای دستگاه امامت، در راستای اهداف امام بوده است و شخص امام، این ابزار را در مسائل شخصی و منافع فردی، بلکه در جهت پیشبرد اهداف الهی و انسانی ناظر به جامعه به کار برده است. لذا از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که پیشگویی مسائل مختلف از جمله جریان‌های مخالف در بیان امام، ناظر به نیازسنجی امام از شرایط گوناگون اجتماعی و سیاسی بوده است و ایشان با توجه به خلأهای

موجود در فضای عمومی جامعه، این مقوله را به کار بسته است. علاوه بر این، امام(ع) در جایگاه فرانسیلی خود، این ابزار را در رویکردی آینده‌نگرانه، به جامعه هدف منتقل می‌نمودند تا در دوران عدم حضور امام هم، جامعه از علم لدنی ایشان بهره‌مند گردد. در نتیجه پیشگویی جریان‌های مخالف در سیره امیرالمؤمنین علی(ع)، تلفیق نیازسنجی و آینده‌نگری در راستای اهداف جریان امامت لحاظ می‌گردد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- ابن اثیر، عزالدین، (۱۴۱۵ق)، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، محقق علی محمد معوض - عادل أحمد عبد الموجود، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة
- ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، چاپ اول، بیروت، دار صادر
- ابن سعد بن منیع بغدادی، محمد، (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب، مصحح آشتیانی و رسولی، چاپ اول، قم، علامه ابن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۷۰ق)، کشف المحجّة لثمرة المهجّة، چاپ اول، نجف، الحیدریه
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف، (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، چاپ اول، بیروت، دارالجمیل
- ابن عساکر، ابوالقاسم، (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، چاپ اول، بیروت، دارالفکر
- ابن فقیه، ابوبکر، (۱۴۱۶ق)، البلدان، چاپ اول، بیروت، عالم الکتب
- ابن کثیر، عمادالدین، (۱۳۹۸ق)، البدایة و النهایة، چاپ اول، بیروت، دارالفکر
- ابن اعثم کوفی، احمد، (۱۴۱۱ق)، الفتوح، محقق علی شیری، چاپ اول، بیروت، دارالأضواء
- ابن عبدربه، احمد، (۱۴۰۷ق)، العقد الفرید، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة
- ابن قتیبه، ابو محمد، (۱۴۱۰ق)، الامامه و السیاسه، محقق علی شیری، چاپ اول، بیروت، دارالاضواء
- اربلی، علی بن عیسی، (۱۳۸۱ق)، کشف الغمّة فی معرفة الاثمه، تبریز، چاپ اول، بنی هاشمی
- البحرانی، کمال الدین میثم، (۱۴۰۹ق)، اختیار مصباح السالکین، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی
- بزاز، ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق، (۱۴۰۹ق)، البحر الزخار، چاپ اول، بیروت، مکتبه العلوم والحکم
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، چاپ اول، بیروت، دارالفکر

کارکردشناسی پیشگویی ... (محمد مصطفی اسعدی و علیرضا جانعلی زاده چناری) ۲۱

- پیشوایی، مهدی، (۱۳۹۰) سیره پیشوایان، چاپ بیست و سوم، قم، موسسه امام صادق (ع)
حجاج نیشابوری، مسلم، (۱۴۲۴ق)، صحیح مسلم، چاپ اول، بیروت، داراحیاء التراث العربی
حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ اول، تهران، موسسه الطبع و النشر
حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۱ق)، کشف الیقین فی فضائل امیرالمومنین (ع)، چاپ اول،
تهران، وزارت ارشاد
حنبل بغدادی، احمد، (۱۴۰۰ف) مسند، چاپ دوم، بیروت، المکتب الاسلامی
خسرویناه، عبدالحسین، (۱۳۸۸)، جریان شناسی فکری ایران معاصر، چاپ اول، قم، موسسه فرهنگی حکمت
نوبین اسلامی
دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۷)، لغت نامه، چاپ پانزدهم، تهران، روزنه
دینوری، ابوحنیفه، (۱۳۷۳) الأخبار الطوال، چاپ اول، قم، منشورات الشریف الرضی
ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۳ق)، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، چاپ اول، بیروت، دارالکتاب
العربی
راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۹ق)، الخرائج و الجرائح، چاپ اول، قم، مؤسسه امام مهدی (ع)
رضی، ابوالحسن (۱۴۱۱ق)، نهج البلاغه، محقق صبحی الصالح، چاپ اول، بیروت، دارالکتاب البنانی
زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، (بی تا)، ربیع الابرار و نصوص الاخبار، چاپ اول، قم، موسسه الاعلمی
للمطبوعات
شهرستانی، علی، (۱۳۹۰) منع تدوین حدیث، چاپ اول، قم، مجمع جهانی اهل بیت (ع)
صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا (ع)، چاپ اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات
صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی
صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، امالی، چاپ اول، قم، مؤسسه البعثه
طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن ایوب، (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، چاپ اول، قاهره، دارالحرمین
طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول، مشهد، مرتضی
طبری، محمد بن جریر، (بی تا)، تاریخ الامم والملوک، بی تا، بی جا
طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۳ق)، دلائل الامامه، چاپ اول، قم، بعثت
طوسی، عمادالدین، (۱۴۱۲ق)، الثاقب فی المناقب، چاپ سوم، قم، انصاریان
عمید، حسن، لغت نامه، (۱۳۵۳)، چاپ هفتم، جاویدان، تهران
قمی، عباس، (۱۳۲۵ق)، تتمه المنتهی فی وقایع ایام خلفا، چاپ دوم، تهران، کتابخانه مرکزی
قمی، عباس، (۱۳۲۵)، تتمه المنتهی فی وقایع ایام خلفا، چاپ دوم، قم، کتابخانه مرکزی

۲۲ پژوهش نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- کشی، محمد بن عمر، (۱۳۸۲ق)، *اختیار فی معرفه الرجال*، چاپ اول، قم، موسسه آل البيت
کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۴۲)، *الکافی*، چاپ اول، تهران، المكتبة الاسلامیة
متقی هندی، علاءالدین، (۱۴۱۹)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیة
مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه الوفاء
مرعشی، قاضی نورالله (۱۴۰۹ق)، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، چاپ اول، قم، مکتبه آیه الله المرعشی نجفی
مسعودی، علی بن الحسین، (بی تا)، *التنبيه و الاشراف*، چاپ اول، مصر، دارالصاوی
مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۸۴)، *اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب (ع)*، چاپ دوم، قم، انصاریان
مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، *شُرُوحُ الذَّهَبِ وَ مَعَادِنُ الْجَوْهَرِ*، چاپ اول، بیروت، دارالهجره
مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، *سیری در سیره نبوی*، چاپ شصت و ششم، قم، صدرا
معین، محمد (۱۳۸۶)، *لغت نامه*، چاپ دوم، تهران، نامن
مفید، محمد، (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید
منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۴ق)، *وقعه الصفین*، چاپ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی
هاشمی خوئی، حبیب الله، (۱۴۰۰ق)، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامیه
یعقوبی، احمد بن اسحاق، (۱۴۲۲ق)، *تاریخ الیعقوبی*، چاپ اول، بیروت، دارصادر